

ابن عطا

نام منحصه ابن عطا ملا فقیر محمد مشهور به آخند زاده عطاریسر عطا محمد است که نسبت نام پدر خود ابن تخلص را اختیار کرده است . تقریباً تا اواخر ۱۳۲۲ هـ ق که مصادف بعصر امیر حبیب الله خان شهید ۱۳۳۷ ق است حیات داشته ، در مندوی کابل دکان طبابت باز کرده بود و مردم اطراف ، به آن رجوعی داشتند اگر چه دکانش مانند دکانداران چندان متاعی نداشت مگر در منفعت از همه بالاتر و نهایت جواد طبیعت بود بلکه هر روز از عده مساکین دستگیری می نمود هر قدر پل که بدستش می آمد نصف آن قسمت آنها میشد ، فقر مساک و عابد و شیخیز بوده در یازدهم هر ماه طعام پخته به مستحقین نذرانه میداد خیلی ظریف و خوش طمع و بذله گو و مجلس آرا بوده بیشتر از تصوف صحبت میکرد خط خوب داشت گاه گاه غزلی میسرود که فعلاً از غزلیاتش بدست نگارنده چیزی نمانده تنها پنجمی که بر غزل حضرت خواجه حافظ نموده و بخش خود او بدست افتاد در مطالعه قارئین محترم میرسانم عالم لاهوت را قبله روحم بدان **خانم آریو** کل است بر سر او تنگ ازان سجده بابای ما کرده چو کروبیان مرغ دلم طائر است قدسی عرش آشیان از قفس تن ملول سیر شده از جهان

رفته بیباغ بهشت خوش بچرد مرغ ما

کندم هستی دو وجو می نخرد مرغ ما

جز بر موز فنا بی نبرد مرغ ما

از در این خا کدان چون ببرد مرغ ما

باز نشیمن کند بر سر آن آشیان

میبردش عشق حق تا بسوی لامکان

می شنود هر نفس ز مزمه قدسیان

همراه و همراز او ست فرقه کر و بیان
 چون بپرد زینجهان سدره بو دجای آن
 تکیه گاه باز ما کینگره عرش دان

میسر سدش دمبدم مزرع خرم بسی
 باشدش از قد سیان مونس و همدم بسی

آمده چون از هما برتر و اقدم بسی
 سایه دوات فتد بر سر عالم بسی

گر بزند مرغ ما بال و پری در جهان

ذکر الهی بود زمزمه مرغ ما

مرغ دگر را کجاست مرتبه مرغ ما

هر دو جهان را گرفت کو کعبه مرغ ما

عالم علوی بود جلوه گاه مرغ ما

آب خورا و بود گلشن باغ جنان

خلقت او ظاهراً آب و گل افغانی است

خوب علوم گریزگری مظهر ربانی است

گرچه مقامش کنون عالم امکانی است

در دو جهانش مکان نیست که از کانی است

کان وی از معدن است جای وی از لامکان

مفت نگردی دلامهرم بزم وصال

بدر وجودت بیا کن بر باضت هلال

باشی بذکر دوام ابن عطاماء و سسال

چون دم وحدت زنی حافظ شوریده حال

خاوه تو حیدزن بر ورق انس و جان

محمد ابراهیم خلیل